

## خطبه های نماز جمعه مورخه 1396/06/24

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين حبيبنا وحبیب اله العالمين الذی سمى فی السماء باحمد و فی الارضين بابی القاسم محمد (صلى الله عليه و آله و سلم) و على اهل بيته الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين من الآن الى يوم لقاء رب العالمين. اما بعد عبادالله اوصيكم و نفسى بتقوى الله و اتباع امره و نهى. خودم و شما نماز گزاران عزيز را به تقوى الهى دعوت مى كنم.

انجام تكليف همان طورى كه از نامش پيدا است ، سخت است . هم تشخيص تكليف سخت و هم عمل به تكليف . گاهى تكليف آن قدر پيچيده مى شود و حق و باطل آن قدر به هم مى آميزد كه تشخيص آن دو از همدیگر سخت مى شود و انسان باريك بين مى خواهد كه حق و باطل را از هم جدا كند و راه راست را پيدا كند. و صراطى كه در قيامت وجود دارد باريك تر از مو و تيزتر از شمشير همين راهى است كه ما انتخاب مى كنيم. تشخيص حقيقت و دانستن تكليف كافى نيست بلكه بايد به آن عمل كرد و عمل به تكليف سخت است. اگر بخواهى نماز بخوانى بايد در تمام عمرت براى نماز صبح بلند شوى و از خواب لذت بخش هنگام سحر دست بردارى. اگر بخواهى روزه بگيرى بايد هر سال يك ماه تشنه و گرسنه بمانى و از مفطرات روزه دست بكشى . اگر بخواهى زكات و خمس بدهى بايد از مقدارى از مالت كه براى بدست آوردن آن زحمت كشيدى ، دست بكشى . اگر جهادى پيش آمد بايد جانت را فدا كنى يا مجروح شوى. بايد از آنچه كه خداى متعال حرام كرده است دست بكشى و دست كشيدن از حرام كار آسانى نيست. خوردن مال مردم لذيذ است. مسائل جنسى و ارتباط با نامرح لذيذ است ، دو سه بار دست كشيدن از اين لذايذ شايد كار آسانى باشد ولى مادام العمر بايد از آنها چشم بپوشى ، اين سخت است.

به همين دليل حضرت امير (ع) در شانزدهمين جمله گهربار خويش مى فرمايد رحمت الهى شامل آن شخص خواهد بود كه در انجام تكليف و در مقابل سختيها و مصيبتها صبر پيشه كند. «جَعَلَ الصَّبْرَ رَغْبَةً حَيَاتِهِ» صبر را مركب نجات خويش قرار دهد.

كسى كه صبر نداشته باشد نمى تواند در انجام واجبات و ترك محرمات ، استمرار داشته و مقاومت كند. كسى كه صبر نداشته باشد نمى تواند در مقابل هواهاى نفسانى كه مستمر و پي در پي او را به حرام دعوت مى كند ، مقاومت كند. كسى كه صبر نداشته باشد نمى تواند در مقابل بلايا مانند فقر و بيمارى و از دست دادن عزيزان استوار بماند و همين بلاها او را خرد و نابود مى كند.

به همين دليل است كه در روايات ما صبر به عنوان راس ايمان و اساس ايمان شمرده شده است. حضرت امير (ع) مى فرمايد: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»<sup>1</sup> صبر از ايمان مانند سر نسبت به بدن است . كسى كه صبر نداشته بايد ايمان ندارد.

امام صادق (ع) مى فرمايد: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.»<sup>2</sup> صبر از ايمان به منزله سر نسبت به بدن انسان است. همانطوري كه اگر سر انسان برود جسمش نيز مى رود ، اگر صبر نباشد ، ايمان هم از بين مى رود.

بنابراين بايد در انجام واجبات و ترك محرمات و همچنين در مقابل سختيهاى دنيا ، صبر پيشه كرد تا پيروز ميدان شد. و چون صبر نيز سخت است در احاديث و روايات ، صابرين ، بسيار مدح شده و پاداش بسيارى وعده داده شده است. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»<sup>3</sup> سلام بر شما به سبب صبورى كه كرديد. خانه آخرت چقدر خانهى خوبى است. « وَ جَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا

<sup>1</sup> . صحيفه الإمام الرضا عليه السلام ؛ ص 81

<sup>2</sup> . الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج 2 ؛ ص 87

<sup>3</sup> . رعد (13) : 24

جَنَّةً وَ حَرِيرًا<sup>4</sup> پاداش آنه به خاطر صبرشان باغهای بهشتی و لباسهای حریر بهشتی است. « وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ<sup>5</sup> شما را با ترس ، گرسنگی ، از بی بردن مال و جان و میوه هایتان امتحان خواهیم کرد و بر صابران بشارت دهید.

نقل می کنند شخصی که خودش نیز طلبه بوده به دلیل فشار فقر به گمان این که فرزند سید ابوالحسن اصفهانی مانع کم رساندن پدرش است او را به قتل رساند و خود را به پلیس معرفی کرد. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی قاتل پسرش را بخشید و مقداری پول برای رفع مشکلیش به وی ارسال نمود. برخی از مردم بعد از این قضیه به طلاب اذیت می کردند که شما این قدر بد هستید که فرزند سید ابوالحسن را کشید. سید ابوالحسن در مراسم ختم فرزندش به واعظ سفارش می کند که یکی از فرزندان من فرزند دیگرم را کشته است! به فرزندان دیگر من چه کار دارید؟! همه طلاب فرزندان من هستند. این یعنی صبر.

عباس صفوی در شهر اصفهان از همسر خود سخت عصبانی شده و خشمگین می شود، در پی غضب او، دخترش از خانه خارج شده و شب بر نمی گردد، خبر بازنگشتن دختر که به شاه می رسد، بر ناموس خود که از زیبایی خیره کننده ای بهره داشت سخت به وحشت می افتد، ماموران تجسس در تمام شهر به تکاپو افتاده ولی او را نمی یابند. دختر به وقت خواب وارد مدرسه طلاب می شود و از اتفاق به در حجره محمدباقر استرآبادی که طلبه ای جوان و فاضل بود می رود، در حجره را می زند، محمدباقر در را باز می کند، دختر بدون مقدمه وارد حجره شده و به او می گوید از بزرگان شهرم و خانواده ام صاحب قدرت، اگر در برابر بودنم مقاومت کنی تو را به سیاست سختی دچار می کنم. طلبه جوان از ترس او را جا می دهد، دختر غذا می طلبد، طلبه می گوید جز نان خشک و ماست چیزی ندارم، می گوید بیاور. غذا می خورد و می خوابد. وسوسه به طلبه جوان حمله می کند، ولی او با پناه بردن به حق دفع وسوسه می کند، آتش غریزه شعله می کشد، او آتش غریزه را با گرفتن تک انگشتانش به روی آتش چراغ خاموش می کند، ماموران تجسس به وقت صبح گذرشان به مدرسه می افتد، احتمال بودن دختر را در آن جا نمی دادند، ولی دختر از حجره بیرون آمد، چون او را یافتند با صاحب حجره به عالی قاپو منتقل کردند. شاه (عباس صفوی از محمدباقر سؤال می کند دیشب، در برخورد با این چهره زیبا چه کردی؟ وی انگشتان سوخته را نشان می دهد، از طرفی خبر سلامت دختر را از اهل حرم می گیرد، چون از سلامت فرزندش مطلع می شود، بسیار خوشحال می شود، به دختر پیشنهاد ازدواج با آن طلبه را می دهد، دختر نیز که از شدت پاکی آن جوانمرد بهت زده بود، قبول می کند. بزرگان را می خوانند و عقد دختر را برای طلبه فقیر مازندرانی می بندند و از آن به بعد است که او مشهور به میرداماد می شود و چیزی نمی گذرد که اعلم علمای عصر گشته و شاگردانی بس بزرگ، هم چون ملاصدرای شیرازی، صاحب «اسفار» و کتب علمی دیگر تربیت می کند.

اگر میرداماد آن شب صبر پیشه نکرده و پیرو هوا و هوس خود می شد، امکان داشت یک شب به کام دلش می رسید اما برای همیشه تاریخ رسوا و بی آبرو می شد و اگر از دست شاه هم جان سالم به در می برد باید عمری ذلیلانه و با خفت و خواری زندگی خود را به سر می برد، اما شبی خویشتن داری نمود و در عوض ثمرات و برکاتی این چنین شامل حالش شد؛ و این فقط مختص به میرداماد نیست و یک استثنای تاریخی محسوب نمی شود، بلکه یک سنت جاری الهی است که خداوند صابرین (به ویژه صابرین در برابر معاصی) را خیلی سریع به پاداش می رساند.

### خطبه دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی لایبلغ مدحته القائلون و لایحصی نعمائه العادون و لایؤدی حقه المجتهدون الذی لایدركه بعد الهمم و لایناله غوص الفطن ثم الصلاه و السلام علی اشرف الانبیاء و المرسلین الذی سمی فی السماء باحمد و فی الارضین بابی القاسم محمد

<sup>4</sup>. انسان (76) : 12

<sup>5</sup>. بقره (2) : 155

اللهم صل على علي أميرالمومنين وعلى فاطمه سيده النساء العالمين وعلى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة وعلى علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن علي وعلى بن محمد والحسن بن علي والحجه القايم المنتظر عجل الله تعالى فرجه و جعلنا من اعوانه و انصاره والمستشهادين بين يديه اسغفرالله لي و لكم من جميع الذنوب و الآثام و اتوب اليه

### روز مباحله

24 ذیحجه روز مباحله است که در چنین روزی خدای متعال عظمت اهلبیت را به نمایش گذاشت و حضرت امیر (ع) را جان پیامبر و حسنین را فرزندان پیامبر معرفی کرد.

### روز خانواده

25 ذی حجه روز نزول سوره هل اتی و روز خانواده است. دو نکته را در چنین روزی باید مورد توجه قرار دهیم . یکی این است که الگوی خانواده ما چه کسانی هستند؟ و دوم این که خانواده های ما را چه آفات و آسیبهایی تهدید می کند. اما در پاسخ به سوال اول باید گفت الگوی خانواده ما خانواده حضرت امیر است. شوهر و پدر خانواده باید حضرت علی (ع) را در همسررداری و تربیت فرزند الگو قرار دهد و مادر و همسر خانواده باید ، زهرای مرضیه را الگوی خود قرار دهد. حضرت امیر چگونه شوهری بود ؟ هیچ وقت کاری که حضرت زهرا را ناراحت کند انجام نداد. احترام خاص به زهرا قائل بود در کارهای خانه به او کمک می کرد و از او مشورت می گرفت و در نزد مردم احترامش را حفظ می کرد. زهرا نیز همین طور بود. در تاریخ خوانده ایم که حضرت فاطمه با علی (ع) چگونه برخورد می کرد.

امروز جای تأسف است که خانواده های ما الگوهای مخرب و ویرانگری را برای خود انتخاب می کنند. دشمنان ما تلاش می کنند خانواده ها را متلاشی کنند. کاری می کنند که ازدواج صورت نگیرد و دوستی بین دو جنس مخالف را ترویج می کنند. تلاش می کنند که کسانی که ازدواج کرده اند از هم جدا شوند. در فیلمها و رسانه های ، خیانت زن به مرد و خیانت مرد به زن را آموزش می دهند. لباسهای آنچنانی که ویرانگر است را ترویج می کنند و دختران و زنان و پسران ما نیز تبعیت می کنند.

باید برای تشکیل خانواده سالم و حفظ آن در برابر هجمه های سنگین تلاش کرد. ما امروزه عملاً می یابیم و شاهدیم که خانواده ها دچار نابسامانی و درگیری هستند، و در رابطه با خود و فرزندان، مسائل و دشواری هایی دارند:

- روابطشان سست و متزلزل است و از صفا و صمیمیت و در نتیجه آرامش و سکون واقعی خبری نیست.
- زن و شوهر ظاهراً در کنار یکدیگرند ولی وضع حیاتشان آنان را چون دو بیگانه در کنار هم قرار داده است.
- آمار طلاق سرسام آور است و زن و مرد به اندک بهانه ای رشته پیوند خانوادگی را از هم می گسلند.
- فرزندان مهر و عطوفت لازم را از خانواده ها به دست نمی آورند و در نتیجه اغلبشان زودرنج و زودشکن و بی عاطفه اند.
- به علت عدم برخورداری نسل از تربیت صحیح، بزهکاری کودکان رو به افزایش و تزايد است.
- به علت آزادی بی بند و بار در ارضای هوس های جنسی، مردان نیازی به ازدواج دائم نمی بینند و با ارضاهای آزاد از پذیرش مسؤولیت اداره خانواده سر باز می زنند.
- روح غیرت ناموسی بسیار تنزل کرده و زوجین از دیدن همسر خود با بیگانگان دچار عذاب وجدان نمی شوند.
- فرزندان نامشروع رو به افزایشند و وحدت ها و صمیمیت ها در حال تنزل و سقوط.

### ماه محرم

ما محرم ماه قیام خونین اباعیدالله علیه السلام در پیش است. امروز بیش از گذشته به محرم و شهید محرم و قیام محرم نیاز داریم. باید این حقیقت را درک کنیم که امام حسین (ع) فقط برای نابودی یزید قیام نکرد چون یزید آن قدر قیمت نداشت که

امام حسین که امام بود و یک تار مویش از کل کره زمین برتر بود با آن فرزندان و برادرانش به کربلا بیاید و همه را از دست بدهد. بر فرض اگر یزید 10 سال هم حکومت می کرد منع وی از حکومت ده ساله این قدر ارزش نداشت. بنی عباس که بیش از 500 سال حکومت کردند هشت امام را شهید کردند.

بنابراین قیام امام حسین برای مبارزه با یزیدیان و تشکیل یک نهضت بیداری برای امت اسلامی خصوصا شیعیان بود. امام حسین با نابودی یزید پیروز میدان نمی شد بلکه با تشکیل همین روحیه جهاد و شهادت در شیعه که از سال 61 تا کنون همین شیعه با اتکاء به قیام حسین (ع) از دین ناب حمایت کرده اند ، پیروز شده است. در محرم باید این ویژگی را به فرزندانمان یاد دهیم.

دوم این که امام حسین در کنار تقویت میرازه با ستم و ظلم ، عمل به آموزه های دینی و توجه به دستورات الهی را نیز به ما نشان داد. او در وسط جنگ ، نماز را فراموش نکرد ، او به یارانش گفت هر کس حقی در گردن دارد و به مردم بدهکار است از نیروی من خارج شود. او به لشکر عمر سعد گفت شکم شما از لقمه حرام پر شده است و گوشتان به این دلیل کر است که سخن من فرزند رسول خدا را نمی شنوید.

امام ما در قیام کربلا به ما گفت بدون نماز نمی شود مسلمان بود . با خوردن مال مردم و حرامخوری نمی شود حسینی شد. در محرم باید این پیام را بگیریم و به فرزندانمان منتقل کنیم.

برای انتقال این پیام بزرگ و سنگین هم به احساسات نیاز دارد و هم به عقل. باید فریاد زد و گریه کرد و نوحه خواند و دلها را برای شنید پیام امام حسین (ع) آماده کرد ولی این آمادگی کافی نیست بلکه باید برای دلهای آماده که احساساتشان تحریک شده است سخنان حکیمانه و اهداف انقلابی و اهمیت عمل به دستورات الهی را با سخن و بیان و استدلال وارد کرد.

متأسفانه یکی از ایرادات ما همین است . با نوحه و گریه و طبل و شیپور مردان و زنان را جمع می کنیم و احساسات را تحریک می کنیم و بعد بدون آن که چیزی به این مخاطبین خود بدهیم صحنه را ترک می کنیم. علمای محترم ، هیئت امنای مساجد و مداحان اهل بیت در قبال این وظیفه مهم مسئولند.

مداحان فکر در بلند نمودن صدایشان هنر نمائی نکنند گرچه استفاده از صدا برای تحریک احساسات مناسب است ولی کافی نیست. مداحان فقط در فکر گریاندن مردم به هر نحو ممکن نباشند. گرچه گریه بر امام حسین از افضل عبادات است. نیازی نیست برای گریاندن مردم انسان خود را به آب و آتش بزند. خدای متعال خودش در مقابل خدمت امام حسین به دین کاری کرده است که نام حسین دلها را می سوزاند.

مداحان در کنار نوحه و ناله چند جمله نیز از ارزشهای الهی سخن گویند به جوانان از اخلاق و بندگی امام حسین (ع) سخن بگویند.

هیئتهای امنای مساجد را همان طوری که بر مداحان اهل بیت آماده می کنند برای علما نیز آماده کنند. و علماء نیز اگر فرصت پیدا کردند از فرصت استفاده کنند با ذکر مصیبت امام حسین و بیان حقایق عاشورا دلهای عزادار امام حسین از معرفت به امام حسین (ع) پر کنند.